

علم و ناعلم

علم، همان است که دانشمندان آن را در دانشسرا علم می دانند و معرفت دینی و علوم نقلی و عقلی و تجربی و... را شامل می شود. ناعلم هر آنچه است که از سنخ علم نیست و اما در تعاملات علم ساختی مؤثر است. مانند اقلیم، نظام آموزش و پرورش، آزادی و امنیت بیان، احساسات، استحسانات، کلیشه ها، مریدی ها، ذهن اندازی ها، عشق، کینه، انکار، منافع سیاسی اقتصادی، گریز از کشف حقیقت، شوق به دانستن و وجاهت بیانی، از جمله ناعلم های خوب و بد هستند.

یک ناعلم دو ویژگی دارد: اول اینکه از سنخ علم نیست و دوم اینکه در علم مؤثر است. حال چه تاثیر جامعه شناختی، چه در اقتصاد علم و چه مؤلفه های فردی و گروهی علم آموزان و نهاد علم. پس سیاره پولتون ناعلم نیست؛ اگر چه علم هم نیست، زیرا بر علم مؤثر نیست. ناعلم ها می توانند خوب یا بد باشند. یک نظام آموزشی و پژوهشی خوب یک ناعلم خوب است.

شاید بتوان ناعلم ها را به دو دسته تقسیم کرد: **ناعلم های درونی (انفسی)** و **ناعلم های بیرونی (آفاقی)** خصیصه های روانی و زیبایی (استحسان) تعصبات فردی، رذائل اخلاقی، هوای نفس و منفعت طلبی فردی و... از جمله ناعلم های درونی و فردی هستند. تمایل قدرت سیاسی، رسانه و دخالت های ژورنالیسمی، زمینه های اجتماعی و اقتصادی و اقلیمی، حتی هنرورزی بیش از حد در توزیع و انتشار جمعی علم و... از قبیل ناعلم های بیرونی هستند و اکثر این دو دسته، بر چگونگی و روند و فرآیند تعاملات علم ساختی، تأثیرات بدی می گذارد. مثلاً تلویزیون های کابلی که از ترفندهای بسیار مؤثری در القای مفاهیم استفاده می کنند، همچنین سینما و مجلات و مانند آن.

مطالعه علم ها و ناعلم و کنش ها و واکنش ها و فواید و خساراتی که ناعلم ها به علم عارض می کنند، از جمله مطالعات بسیار مهمی است که برای فیلسوفان علم بسیار کارساز است.

رجایی قصد دارد کتابی در این باره بنویسد.

علم و ناعلم (ش.ش) یک اصطلاح خاص در فرهنگنامه رجا است و نباید با «شبه علم» یا «ضد علم» اشتباه گرفته شود. شبه علم آن است که علم پنداشته میشود. یک شبه علم،



اگر بر علوم تاثیر بگذارد، می تواند نا علم شمرده شود.

جستارهای وابسته

فرهنگ و نافرنگ